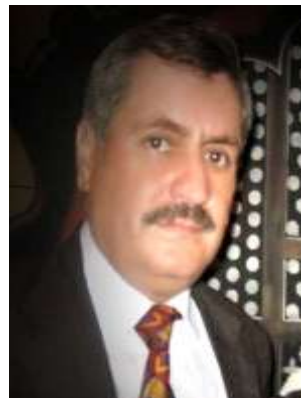


پش بڅک

نوښته: دوکتور خوش نظر پامير زاد



۶ جدی ۱۳۹۱

(نوين ارد تر کانادا اهدا سوډ)

این قصه برای اطفال عزیز در سال ۲۰۰۲ در شهر کراچی ایجاد شد. آن زمان وقتی با تعدادی از کودکان مواجه می شدم و با آن ها چند پارچه شعر کودکانه را به زبان شغنائی در میان می گذاشتم، برای شان دلچسپ تمام می شد که پس از آن برای مصروف ساختن کودکان این قصه را نوشتم که با خواندن آن اطفال لذت می بردند. اما از آن جایی که هنوز مهارت خواندن را اطفال عزیز ندارند و از جانبی هم خواندن هر شعر، قصه و داستان کودکانه اطفال را سرگرم ساخته و برای شان خوشی را بوجود میآورد، لذا از مادران، پدران، خواهران و برادران بزرگتر اطفال خواهشمندم تا چنین نوشته جات برای آن ها بخوانند و به خوشی آن ها بیافزایند.

(پاميرزاد)



از غم ات قیني رخيـسخ	نهـن ات رزينـن قرث نيـسخ
قصه وم ارد زاد نمود	نهـن رزين ارد قصه چود
پورگ ات پش قصه اند يـناو	قصه يـي چود سوگ جـناو
وم قصه اكدس تو ارد لـوم	خيـچ نغوـر شـچ وم كلوم
نبد اند يه سخ پلهـنگ	فخ پش بـخـك ملهـنگ
رهز اند په وم كـبـت دعوا	يـي مپـث ات پورگـپن پاتـبـنا



لوقد ته بنپس تو خو يـپـم لهک خود دل تير ذهم تـپـم

هر چیز خُفم سهم تپ تز	تر پهلّی سهوات لهک وز
قیس خو میبند لپ مه فبِن	یا دئی نپد ارد خو خبِن
نُسکي خو پاډ تیر ربوید	لودی خو از کوړخ نبتوید
خیرخډ ته لبرخبنت قروتک	قهرجنیخ ویذد بروتک
زبډ وی پورگ ست چي زید	پش بڅک اند قهر سفید



جهقي خو چود پینخ خُفار	پورگبن پاتبنا کلانکار
جقت ته پش تیر لو خو کد	از نپخ پی مندهل زبُد
بیکاره دزد ات شُمک	تیر تا تگگاف دید نمک
بوی ته کبنت وم بنپ چي بنپ	از مندهل زبُد ار شپ

تېنپ بوي بروت کښت سپڅک	شپ درون تېنپ پي نېڅک
ناسايښي جون اند دیند	بروتک تېنپ بوي یند ویند
لهک یچهي مه وینت از تیر	کورخي یو شپ چود از بیر
چوښتي فرید خو ارد همرا	ذاره پید اند تر زبا
وېفا تېنپېن ییو ییو چي نیقد	یچهي وي پوند مه انجیقد
پش بڅک اند ویرقدي خون	از بیر دېد تر شپ درون
ندیمتي خب خښ خو نای	شپ زبا اردي چود خو جای
مئوتې چود لو نخچیر	دستېني قود نسک پي بیر
نُسکې از پادېني زواست	قیچي زمهد تي چود راست



سېرت ته يو پورگ تا نېنتيزد	وي بهين وي بين تير ربيزد
ازود ازم تته ويذد دم	نم ويذد اته كبت روز گم
نېنتيزد يو پورگ ات يه وي	پيښخت ته وي كهجه سهوي
ديف چرتين اند پورگ زبد	پاذ بنرفه يي فايه بند
الازي چود لو خوشبر	تيز وي گير كبت مه سؤد دير



يوپورگي چوبنت وي پوندخربن	پرذم وي ارد يت پرذم قربن
زمانه وي ارد تهنگ دقبت	از ويث تبنيپن فكت ربنت
لپ تيزي وينت پش چهنگبن	وي پيخ ته گلگوند رهنگبن
غورستي بند لو تندر	وي كاري چود تيز كنگر
چاره يي بنبيد رخيثتاو	لودي زين مرد جناو

قد چې زبـد قهـپي داد ذر از وي داد قد قـراد
بر زمهـذ داد از هـوا تـيزـئي چـو بـنت تر زبا
تر وي خـيزهـج غل وم دهم بـنـکـيرت وي غل يه بي رحم
پي تير تاـقـک پـوند قـريب از نـبـد رـخـوست يو غـريب

(کهنـدگه ريـجن)